

## متحد باشیم، رضاخان پیش ما مگس است

۱۲ مرداد ۱۳۹۳ ساعت ۱۶:۵۳

«والاس موری» چهاردهمین نماینده سیاسی آمریکا در ایران بود. او در ۱۳۲۴ شمسی به مقام سفیری در تهران منصوب شد و مدت مأموریتش مانند بسیاری دیگر از همکارانش در ایران از نظر زمانی محدود و کوتاه بود. همتای ایرانی او در واشنگتن حسین علاء بوده است. والاس موری در اوایل حکومت رضاخان کاردار کشورش در تهران بود. او پس از ملاقاتی که در ۱۸ مهر ۱۳۰۳ با مرحوم سیدحسن مدرس رهبر جناح اقلیت مجلس شورای ملی داشت، گزارشی از این ملاقات را به وزارت امور خارجه آمریکا ارسال کرد. در این گزارش که به تاریخ ۲۴ مهر ۱۳۰۳ ارسال شده، چنین می‌خوانیم:

مدرس، که یکی از روحانیون سید و مجتهد شهر می‌باشد، ظاهری تنومند و چشمانی نافذ دارد که در نگاه اول توجه همه را به خود جلب می‌کند. اگر کسی مدرس را در خیابان ببیند، به راحتی او را با یک فقیر اشتباه می‌گیرد. با اینکه به طور عادی، وی با بالاترین رجال مملکت در خانه خود ملاقات می‌کند، در آخانه‌ای محقر زندگی می‌کند که تمام وسایل آن بیش از هشتاد تومان ارزش ندارد. وی از لحاظ سیاسی اکاملاً بر تجار بازار مسلط است و تلاش‌های بی‌وقفه رئیس‌الوزراء (رضا) برای پراکنده کردن همراهان او تاکنون بی‌فایده بوده است. او هرگز به سوءاستفاده از جایگاه خود متهم نشده است. وی سرسخت‌ترین دشمن چیزی است که خود او آن را «حکومت کودتا» نامیده است و از زمانی که سردار سپه بر مسند ریاست وزرا تکیه زده است، رهبری جناح مخالف را بر عهده دارد. وی به عنوان یکی از برجسته‌ترین سخنوران مجلس شناخته می‌شود و بدون تردید ترسی از کسی ندارد. حتی از شخص قلدری چون رئیس‌الوزرای فعلی (رضا). در تمام مدتی که سردار سپه برای رسیدن به قدرت تلاش می‌کرد، مدرس تنها کسی بود که در مواضع مختلف به چالش با او برخاسته و از این گذشته تنها کسی بود که جرأت می‌کرد او را تحقیر و استهزا کند...

موری همچنین به تشریح حوادث دو سال پیش، می‌پردازد:

... در ۱۵ اکتبر ۱۹۲۲، مؤتمن‌التجار، نماینده تبریز، طی سخنرانی در مجلس، اعمال غیرقانونی رضاخان را انتقید کرد. روزنامه ستاره ایران این سخنرانی را در ۶ اکتبر منعکس کرد: حقیقتاً خیلی ننگ‌آور و باعث تأسف است که پس از ۱۷ سال مشروطیت و آن همه قربانی‌ها که در راه آزادی داده شده مجبور شویم که در عوض اصلاحات اساسی از نقض قانون اساسی و اجرا نشدن سایر قوانین شکایت کنیم. از زمان ورود به تهران متوجه شده‌ام که به اساس و ارکان قانونی این مملکت حمله می‌شود و این در حالی است که جلسات گرانبهای مجلس تمام صرف جزئیات شده است. ترتیبات حالیه بنده را حق می‌دهد که نسبت به اوضاع حاضر بدبین و ظنین باشم. شاه به خارجه سفر کرده است، مجلس شورای ملی بی‌تفاوت به امور نشسته است و با اینکه مردم تمام امید

خود را به این مجلس بسته‌اند، ما بدون پروا و بی خیال دست روی دست گذاشته‌ایم. روزی به خود می‌آییم و متوجه می‌شویم که هیچ اثری از آزادی و قانون اساسی بر جای نمانده است... نمایشاتی می‌شود که خیلی اسباب وحشت و پریشانی و نگرانی است. عملیات نظامی می‌شود که به نظر بنده ممکن است در آتیه خیلی نزدیک برای مملکت و ملت خطراتی را متوجه سازد. بدون مجوز قانونی جراید را می‌بندند و مدیران آنها را توقیف و شکنجه می‌کنند. قانون اساسی اعمال را تقسیم و هر وزیری را در کار خود مسئول کرده است. این لاقیدی در مراعات اصول قوانین اساسی است که اتصالاً در مملکت باعث تولید قیام‌ها و نهضت‌ها می‌شود. چرا خیابانی علیه دولت مرکزی قیام کرد؟ چرا لوی یکی از مشهورترین قیام‌های تبریز را رهبری کرد؟ وی به عنوان شهروندی تابع قانون در مقابل غدر و خیانت سران مملکتی در تهران (در زمان کابینه وثوق‌الدوله؛ کابینه‌ای که توافقنامه انگلیس - ایران را به امضا رسانید) به پا خاست و بر آن بود که دولت را وادار به پیروی از قانون کند. به نظر می‌رسد که این قیام‌ها سران مملکتی را از خواب گران بیرون نیاورد! وضعیت شرم‌آور کنونی سرآغاز قیام‌های متعددی خواهد شد که در آینده سراسر این مملکت را فرا خواهد گرفت. این مملکت در جزر و مد انقلاب‌های متعدد دفن خواهد شد. مردمی که آزادی خود را به بهای جان خود به دست آورده‌اند هرگز اجازه نخواهند داد که زیر بار استبداد بروند. بنابراین دولت می‌بایست حکومت نظامی را از مرکز و سایر نقاط کشور مرتفع گرداند. عواید دولتی باید از هر منبعی که باشد توسط مأمورین مالیه به خزانه دولت وارد و از آنجا مطابق تصویب مجلس به مصارف برسد. کنترل امور وزارت مالیه می‌بایست از تسلط وزارت جنگ خارج شود. تبریز همواره مهد آزادی بوده است. ولی اکنون به جولانگه مرتجعین تبدیل شده است. حکومت نظامی با شدت و حدت فراوان بر این استان وضع شده است. اجتماع آزادی خواهان متفرق می‌شود و آزادی بر باد فنا رفته است. نسل آینده ما را تقبیح کرده و به ریش ما خواهند خندید. مملکت ما وضع تحریبی به خود گرفته است که هیچ نمی‌توان آن را به یکی از اشکال حکومتی دنیا تشبیه کرد. تا زمانی که اپایتخت مملکت در آشوب و بی‌نظمی غوطه‌ور است، در سایر نقاط نیز پیشرفتی حاصل نخواهد شد.»

سپس مدرس به سخنرانی پرداخت. سخنرانی او نیز در روزنامه ستاره ایران مورخه ۶ اکتبر ۱۹۲۲ منتشر شد: «نماینده محترم معایبی را که در دولت به چشم می‌خورد، برشمردند. ایشان همچنین اذعان داشتند که برخی این مجلس را خوار شمرده و آن را تحقیر می‌کنند. اما باید بگوییم که ایشان اشتباه بزرگی را مرتکب شده‌اند. هیچ یک از مجالس گذشته در چنین مدت کوتاهی، پیشرفت چندانی از خود نشان ندادند. به واسطه وجود این مجلس بود که قرارداد ۱۹۱۹ رد شد (و کلاً: قرارداد لغو شد اما تحمیلاتش عملاً وجود دارد). به برکت وجود این مجلس پلیس جنوب ملغی گردید و مستشاران انگلیسی این کشور را ترک کردند. ما هیچ ترس و واهمه‌ای از رضاخان نداریم. چرا باید در خفا صحبت کنیم؟ ما باید صراحتاً حرف خود را بزنیم. ما قدرت داریم حکومت را برکنار و آن را تغییر دهیم و شاه و هر کس دیگری را عزل کنیم. همچنین اگر خواهیم می‌توانیم رضاخان را استیضاح کرده و عزل کنیم. این کار بسیار آسانی است. وزیر جنگ را به مجلس احضار کنید، او را استیضاح و سپس از کار برکنار کنید و به او اجازه دهید به اقامتگاه خود در دماوند برود و مابقی عمر خود را به استراحت بپردازد! چرا نمایندگان مجلس چهارم این قدر بی‌روح و کم‌دل و جرأت هستند؟ قدرت مجلس قدرت برتر این مملکت است. شما نماینده ۱۵ میلیون ایرانی هستید. هیچ دلیل برای پوشاندن حقایق وجود ندارد. بسیاری از شما آقایان زمانی که محمدعلی شاه به دست ما از سلطنت برکنار شد، نماینده مجلس بودید. زمانی را به یاد آورید که سالارالدوله با سی هزار نفر آمد و ما تنها با دویست نفر دست خالی از آنها جلوگیری کردیم. هیچ کسی یارای ایستادگی در برابر مجلس را ندارد. وزیر جنگ منافی دارد و مضاری هم دارد، اما منافعش بیش از مضارش

است. اما کنار گذاشتن او نگرانی ندارد. پس از مشورت با یکدیگر قضاوت کنید! اگر با هم متحد نشوید، کوچکترین قدرتی بر شما فایده می‌آید. او در برابر اتحاد ما چونان مگسی است. وزیر جنگ منافعی اساسی و مضارش فرعی است، باید مضارش رفع شود!» در پایان سخنرانی وی، رئیس مجلس اظهار داشت که گفته‌های مدرس در مورد توانایی‌های مجلس برای تغییر شاه، برخلاف قانون اساسی است. سپس مدرس با صدایی بلند توضیح داد که: «هر شاهی را که مخالف ما باشد و برخلاف قانون اساسی عمل کند، برکنار می‌کنیم.» [۱]

«والاس موری» در ادامه گزارش خود می‌نویسد:

در ۵ اکتبر ۱۹۲۲، مدرس در خطابه‌ای به یادماندنی در مجلس به سردار سپه حمله کرد و قدرت‌طلبی انقیرقانونی او را زیر سؤال برد و با این جملات سخنرانی خود را به پایان برد: «ما هیچ ترس و واهمه‌ای از رضاخان نداریم. چرا باید در خفا صحبت کنیم؟ ما باید صراحتاً حرف خود را بزنیم. ما قدرت داریم حکومت را برکنار و آن را تغییر دهیم و شاه و هر کس دیگری را عزل کنیم. همچنین اگر بخواهیم، می‌توانیم رضاخان را استیضاح کرده و عزل کنیم. اینکار بسیار آسانی است. رضاخان در برابر اتحاد ما چونان مگسی است.» دو روز بعد وزیر جنگ، همانند فردی شکست‌خورده به مجلس آمد و پس از برشمردن خدمات بسیار خود در مملکت، استعفای خود را به عنوان وزیر جنگ و فرمانده کل قوا، تقدیم مجلس کرد. با اینکه استعفای او در ۹ اکتبر پس گرفته شد، اما این مانع از آن نشد که دوباره به مجلس برود و در ۱۸ اکتبر، با فروتنی در مجلس سخنرانی کند؛ و این کاملاً با منش و رفتار دیکتاتورمآبانه پیشین وی متفاوت بود. او به همه اطمینان داد که پایبندی به قانون اساسی خواسته قلبی اوست و حکومت نظامی از سراسر استانهای کشور مرتفع خواهد شد و با ورود مستشاران اقتصادی آمریکا، اداره مالیات غیرمستقیم و فواید عامه تحت کنترل این گروه در خواهد آمد.

منبع: جام جم

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/27687/مگس-پیش-رضاخان-باشیم-متحد>